



دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۵۲۸

فرهنگ و هنر

به عبارت دیگران

اعلامیه انقلابی و توفان زای امام خمینی

قائد بزرگ به دنبال فرستادن نامه‌های سری و خصوصی و پیک‌ها و پیغام‌ها برای مقامات روحانی مرکز، شهرها و شهرستان‌ها و آگاهانیدن آنان از قصد خود دایر بر اعلام عزادری و عید نوروز و فراخواندن آنان به بهره‌برداری از آن فرصت جهت آگاه ساختن توده‌ها از خطرهایی که از ناحیه رژیم، اسلام و جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، اعلامیه تاریخی و توفان‌بار خود را صادر کرد؛ اعلامیه‌ای که کاخ شاه را به لرزه درآورد:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

روحانیت اسلام امسال عید ندارد دستگاه حاکمه ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرد و به احکام مسلمة قرآن قصد تجاوز دارد. نوامیس مسلمین در شرف هتک است و دستگاه جابره به تصویب‌نامه‌های خلاف شرع و قانون اساسی می‌خواهد زن‌های عفیف را تنگین و ملت ایران را سرفاکنده کند.

دستگاه جابره در نظر دارد تسلاوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند. یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد، یعنی دخترهای ۱۸ ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه‌ها بکشد، یعنی با زور سرنیزه دخترهای جوان عفیف مسلمانان را به مراکز فحشا ببرد.

هدف اجانب قرآن و روحانیت است. دست‌های ناپاک اجانب با دست این قبیل دولت‌ها قصد دارد قرآن را از میان بردارد و روحانیت را پامال کند. ما باید به نفی بیهود، آمریکا و فلسطین هتک شویم، به زندان برویم، معدوم گردیم، فدای اغراض شوم اجانب شویم.

آنها اسلام و روحانیت را برای اجرای مقاصد خود مضر و مانع می‌دانند این سد باید به دست دولت‌های مستبد شکسته شود. موجودیت دستگاه رهین شکستن این سد است. قرآن و روحانیت باید سرکوب شود. من این عید را برای جامعه مسلمین عزا اعلام می‌کنم، تا مسلمین را از خطرهایی که برای قرآن و مملکت قرآن در پیش است آگاه کنم. من به دستگاه جابره اعلام خطر می‌کنم. من به خدای تعالی، از انقلاب سیاه و انقلاب از پایین نگران هستم. دستگاه‌ها با سوءتدبیر و با سوءنیت گوییی مقدمات آن را فراهم می‌کنند. من چاره در این می‌بینم که این دولت مستبد به جرم تخلف از احکام اسلام و تجاوز به قانون اساسی کنار برود؛ و دولتی که پایبند به احکام اسلام و مغ‌خوار ملت ایران باشد بیاید.

بارِ الهام! من تکلیف فعلی خود را ادا کردم؛ «اللّهُمَّ قَدْ بَلَّغْتُ» ابلغ کردم، و اگر زنده ماندم تکلیف بعدی خود را به خواست خداوند ادا خواهم کرد. خداوند! قرآن کریم و ناموس مسلمین را از شر اجانب نجات بده.

روح‌الله الموسوی‌الخمنی/ قم - ۱۳۴۱/۱۲/۲۲
سیدحمیدروحانی‌زبارتی
بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی
دفتر انتشارات اسلامی
جلد یک، صفحات ۳۱۵ و ۳۱۶

فایده آرمانگرایی

اولین خاصیت ایمان این است که برای انسان آرمان به وجود می‌آورد و خاصیت آرمان این است که مساعی و کوشش‌های انسان را از پراکندگی نجات می‌دهد و تمام وجود انسان و تمام نیروها و فعالیت‌های انسان جهت پیدا می‌کند و رو به یک سو می‌شود.

مرتضی مطهری/ آشنایی با قرآن
جلد ۱، ص ۱۳، صفحه ۱۷۱

اگر خدا نباشد...

آقای ژان پل سارتر که فیلسوف اگزیستانسیالیست فرانسوی است که نشان‌الحد را بر پیشانی خود می‌زند. با این حال، به نظر من، دیدگاه‌های او به وضوح بلیه اسقف‌ها را تأیید می‌کند. او می‌گوید: تا زمانی که آدمیان به خدایی آسمانی باور داشتند، می‌توانستند او را دستگاه آرمان‌های اخلاقی خویش بدانند. جهان که مخلوق و تحت حاکمیت خدایی پدروار بود برای آدمی مسکنی مألوف، گرم و صمیمی بود. ما می‌توانستیم مطمئن باشیم که شر در عالم هر قدر هم زیاد باشد، در نهایت، خیر بر آن غلبه خواهد کرد و لشکر شر تارومار خواهد شد، اما اکنون با نابودشدن خداوند از آسمان وضع به کلی دگرگون شده است. جهان تحت حاکمیت یک موجود روحانی نیست، بلکه به عکس، تحت سلطه نیروهای کور است و لذا هیچ آرمانی، اخلاقی یا غیر اخلاقی، نمی‌تواند در جهان بیرون از ما وجود داشته باشد. از این رو، آرمان‌های ما باید صرفاً از ذهن و ضمیر خود ما بپوشند. ادر واقع آرمان‌های ما مجولات خود ما هستند. بنابراین، جهانی که ما را احاطه می‌کند. جهانی مرده است. ما در جهانی زندگی نمی‌کنیم که حامی ارزش‌های ما باشد. این جهان دربارہ این ارزش‌ها کاملاً بی تفاوت است.

سال‌ها پیش آقای برتراند راسل در مقاله‌ای تحت عنوان «عبدات آزادمان» در قریب ۲۵ به همین مطلب را بیان کرد. جهانی که علم تجربی به ذهن ما ارائه می‌دهد، اجمالا چنین است، بلکه حتی بی‌هدف‌تر و فاقد معناتر است.

والتر ترنس استیس/ معنای زندگی
اعظم پویا
نشر ادیان
صفحات ۱۶ و ۱۷

پیامبر اعظم (ع)

چنان‌با مردم مصاحبت داشته باشی که خود دوست داری به همان گونه با تو مصاحبت کنند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۳۱۳۷
پيامرسان: vatanemrooz@post.ektronik.ir
چاپ: موسسه چاپ‌م‌م برتر پونا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

مروری بر نخستین روز جشنواره چهل‌وچهارم فیلم فجر

همه چیز معمولی است

روز اول

روز اول جشنواره میشه یک سری کلیشه‌های قدیمی‌ی را تکرار می‌کنند. خیلی از جوان‌ترها با توقعات حداکثری وارد جشنواره می‌شوند و حداقل ۲-۳ روزی می‌کشند تا توقعاتشان تعدیل شود. بعضی اصحاب رسانه، خصوصا اول هنوز در دفاتر و تحریریه‌ها نشسته باشند و کم‌کم به این رویداد اضافه شوند اما با همه اینها نخستین روز از فجر چهل‌وچهارم به لحاظ استقبالی که اهالی رسانه و اصحاب سینما از آن کردند، حتی نسبت به خیلی از دوره‌های دیگر وضع بهتری داشت. راستش این است که فضای جشنواره برخلاف بعضی توقعات و اضطراب‌هایی که از قبل وجود داشت، لاقال طوری که تا اینجا کار نشان داده، اصلا سیاسی نشد اما همه چیز فقط همین‌ها نیست. امسال جشنواره فیلم فجر در حالی برگزار شد که دغدغه رسیدن فیلم‌ها به پرده، همه را نگران کرده بود. سال‌هاست فصل فیلم‌برداری فیلم‌های سینمای ایران در پاییز و اوایل زمستان متمرکز شده و همه، حتی خیلی از آنهایی که اثرشان به فجر نمی‌آید یا پذیرفته نمی‌شود، در اواخر دی و اوایل بهمن ماه مشغول انجام مراحل نهایی فنی کارها می‌شوند. امسال در نیمه دوم دی‌ماه به دلیل

ناآرامی‌هایی که در کشور رخ داده بود، اینترنت به صورت سراسری قطع شد و از آنجا که بسیاری از مراحل فنی آثار سینمایی به هوش مصنوعی وابسته شده، پروسه تولید کارها به قدری شق افتاد که جداول پخش چندین بار جابه‌جا شد. البته فجر برای اصحاب رسانه ۱۱ بهمن شروع شد و در سینماهای مردمی از ۱۲ بهمن آغاز به کار کرد. تنها چیزی که در این جدول طبق اعلام قبلی باقی ماند، برگزاری افتتاحیه جشنواره با انیمیشن «گنجه‌بان خورشید» بود. تنها انیمیشن و تنها کار کودک و نوجوان حاضر در فجر چهل‌وچهارم که در کنار نگاه به مسائل ملی و حفظ میراث باستانی ایران، به یک‌سری الگوهای مذهبی هم به شکلی نرم و غیرشعاری توجه کرده بود. کسی چندان از این انیمیشن ایراد نگرفت؛ چه اینکه نسبت به ۲ اثر قبلی سازندگانش به لحاظ کیفی پیشرفت‌هایی داشت اما نکته برجسته در کار این گروه، یعنی گروه مهو، سرعت آنهاست. آنها در ۳ سال اخیر ۳ فیلم بلند ساخته و به فجر آورده‌اند، در حالی که تولید انیمیشن‌های ایرانی قبلی، گاه تا ۸ سال طول می‌کشید و این ما را از صنعتی شدن انیمیشن دور می‌کرد. نشست «گنجه‌بان خورشید» که نخستین نشست جشنواره امسال بود، همچنان که همیشه در نشست‌های انیمیشن جشنواره دیده می‌شود، عادی و بی‌حاشیه بود. اما فیلم دومی که در روز اول جشنواره پخش شد تا حدودی جنجالی و بحث‌برانگیز بود. «غوطه‌ور» پلیسی را نشان می‌داد که دچار بیماری بی‌خوابی شده و در آستانه ارتقا رتبه و رسیدن به مقام ریاست اداره‌شان، بنا به انگیزه‌های

فردی و انسانی، خودش را درگیر پرونده‌ای می‌کند که اساسا به او ربطی ندارد و جز در درس چیزی برایش نخواهد داشت. مساله انحرافات جنسی، فمینیسم، همکاری بسیج با پلیس و چند مساله دیگر که این داستان پلیسی را کاملاً ایرانی می‌کردند، عناصر برجسته‌ای بودند که در «غوطه‌ور» توجهات را جلب می‌کردند. یک نکته قابل توجه این است که کارگردان این فیلم محمدجواد حکمی، یک روحانی معمم است و با لباس روحانیت به جشنواره آمد. بازیگران فیلم هم از محسن قصابیان و مهران غفوریان گرفته تا هنرپیشه‌های زن، همگی در فتوکال و نشست خبری حاضر شدند. فیلم سوم روز اول اما اساسا مورد عجیبی بود. برخلاف «غوطه‌ور» که کارگردان آن تا قبل از این ناشناخته بود، «غبار میمون» را آرش معیریان کارگردانی کرده که چندین فیلم و سریال را قبل از این کارگردانی کرده بود. او در خارج از کشور تحصیل کرده و حالا هم مدرس دانشگاه است و با اینکه غالب آثار او تجاری بوده، لاقال به لحاظ فنی توقع می‌رفت که کار را دربیورد. «غبار میمون» به لحاظ مضمونی علیه صهیونیسم و فعالیت‌های جاسوسی آنها بود اما از لحاظ فرم تردیدی نیست که هیچ منتقد، کارشناس یا حتی مخاطبی نمی‌تواند کاملاً از آن دفاع کند. گفته می‌شود آنچه در جشنواره نمایش داده شد، نسخه خلاصه شده‌ای از یک سریال چندقسمتی است که همین قضیه به گنگ شدن

گفت‌وگوی «وطن امروز» با کارگردان «غوطه‌ور» نخستین فیلم‌ساز روحانی تاریخ جشنواره فیلم فجر

مسأله‌ها سبک زندگی بود

بکنی که «آقا من دنده عقب آمدم» و گرنه آن کس که از پشت می‌زند همیشه مقصر است. اینجا من نمی‌توانم اکثفا کتم به قاتون. مساله وجدان است؛ هر کسی در درون خودش می‌داند که چه خبر است و چه کارهایی انجام شده. به هر حال قانون یک آیین‌نامه‌ای است که در ۹۵-۹۰ درصد، یا ۹۹ درصد موارد طبق ضوابط کلی درست عمل می‌کند. خیلی طبیعی است که در ۱۰ درصد یا یک درصد هم به خاطر شرایط خاص خطا داشته باشد و موردی که کارخانه به آن برخورد هم جزو همان یک درصد یا ۱۰ درصدی است که قاتون در آن جواب نمی‌دهد و سعی می‌کند قاتون را دور بزند اما می‌گویم این هم خیلی کاملاً شخصی و درونی در کاراکتر نهادینه شده است. **■ حالا درباره ماهک صحبت کنیم.** به نظر شما چقدر فکر می‌کنید وجود چنین عارضه و چنین مسأله‌ای در جامعه ما عمومیت دارد؟ چون یک دیالوگی هم در فیلم هست که می‌گوید «اگر قرار باشد به این جرم کسی را بگیریم، نصف مردم این شهر را باید بگیریم». البته شخصیت اصلی نیست که این را می‌گوید.

این حرف درباره کثرت مصادیق ماهک صحبت نمی‌کند، بلکه درباره اهمیتش صحبت می‌کند؛ درباره سبب و مسبب‌هایی صحبت می‌کند که باعث شده ماهک به وجود بیاید که مهم‌ترین عنصر در به وجود آمدن ماهک، خانواده است. خانواده خیلی نقش مهمی در تربیت آدم‌ها دارد. نبود خانواده و پله و رها بودن فرد در این جامعه فعلی، آسیب‌هایی را رقم می‌زند که می‌تواند مخاطرات جدی برای نسل بعدی داشته باشد. واقعا نسل بعدی در خطر است. از این جهت، فیلم درباره اهمیت خانواده و سبک زندگی حرف می‌زند، نه در مورد همجنس‌گرایی.

■ ممکن است درباره کاراکتر ماهک گفته شود آنچه انجام می‌دهد تقصیر خودش نیست؛ یک اختلال روانی دارد.

مساله، روانی نیست. بیماری‌های جسمی و روانی ۲ مدل دارند: یک موقع ریشه در ژنتیک و ارث دارند. یک موقع ریشه در سبک زندگی دارند. اینکه مثلا درباره بیماری دیابت

می‌گوییم ۲ مدل است؛ یا دیابت ارثی است، یا در اثر سبک زندگی است. من اگر به هر شیرینی و شکری «نه» نگویم، معلوم است که مثلا ۱۰ سال دیگر دچار بیماری قند می‌شوم. ما در فیلم یک نوع بیماری را نشان می‌دهیم که آدم سالم دچار آن شده و این هم فقط و فقط

ببینید، همیشه در کارهای خارج از چارچوب است که درام شکل می‌گیرد و جذاب است. به نظر من، این الگویی است که شاید بتوان تعبیر «کلیشه» را هم درباره آن به کار برد ولی به هر حال در سینمای آمریکا ما هم همین بوده و هست، و در سینمای ما هم همین بوده و هست. چرا مثلا کاراکتر آقای مسعود کرامتی یا مهران غفوریان برای مخاطب اینقدر جالب و جذاب نیستند؟ چون آنها طبق روال قانونی و آیین‌نامه‌ای رفتار می‌کنند اما حسن کارخانه دارد. سانسختار عمل می‌کند و به نظر من همیشه این جالب است که ببینیم کسی دل و جرات دارد کاری را که خودش فکر می‌کند درست است انجام بدهد.

■ اما اینکه کسی بخواهد قانون را دور بزند چطور؟

من چنین فکری نمی‌کنم که حالا برداشت اینچنینی از فیلم بشود. اگر کسی چنین برداشتی بکند - که همه برداشت‌ها واقعا محترم هستند- برداشت شخصی خودش است اما نه اینکه لزوماً ارتباطی با قصد ما داشته باشد. اینکه فکر کنیم همه جا کار ضدساختار جواب می‌دهد قطعاً غلط است. به هر حال ما یک قانون داریم که آن قانون را عقلای جامعه تصویب کرده‌اند؛ یک سری آدم‌های خبره که نسبت به محیط آگاهی کامل دارند، نشست‌اند و قانونی وضع کرده‌اند و تبعیت از آن قطعاً هم واجب شرعی است و هم تکلیف اجتماعی اما در بعضی موارد به خاطر ضعف قانون، گاهی باید «انتش به اختیار» عمل کرد. اقشار مختلف جامعه و مردم، به آنجایی که آدم به‌شخصه احساس تکلیف می‌کند، دیگر اصلا حجت شرعی می‌شود؛ پراش؛ باید کار درست را انجام بدهی. خیلی جاها هم دارد از قانون جلو می‌زند. مثلا شما دارید موقع رانندگی دنده عقب می‌آید و می‌زنید به ماشین پشت‌سر. اگر افسرپایه، ماشین عقبی را مقصر می‌داند، مگر اینکه خود تو اقرار

وطن امروز

روند

روایت

خیلی

دامن زده و

در کنار آن می‌توان به کم‌دقتی‌هایی که ممکن است برآمده

از بلند بودن یک پروژه باشد توجه کرد. به هر حال در

جشنواره‌ای که ۳۳ فیلم را نمایش می‌دهد، طبیعی است

مواردی هم این چنین باشند اما خیلی‌ها می‌گفتند چرا این

آثار به جشنواره راه داده می‌شوند. راستش این است که اگر

«غبار میمون» به جشنواره نمی‌آمد، ممکن بود خیلی‌ها

بگویند حالا که فیلمساز کهنه‌کار مثل آرش معیریان یک

فیلم امنیتی با روایتی در چند نقطه مختلف دنیا ساخته،

چرا این فیلم را به جشنواره راه ندادند؟ نمی‌توان گفت

دبیر فجر برای جلوگیری از چنین زمزمه‌هایی این فیلم را

راه داده اما می‌توان گفت راه پیدا کردن این فیلم، لاقال

تکلیف همه را با آن روشن کرد و برای هزرمیان بار ثابت شد

ممکن است جوان‌های ناشناخته بدرخشند و کهنه کارها از

شدت بی‌کیفیتی و بی‌دقتی و ضعف، غافلگیرمان کنند.

فقط به خاطر سبک زندگی غلط و غیراسلامی است.

■ آقای حکمی؛ یکی از جذاب‌ترین و جنجالی‌ترین سوزدهای

سینمای ایران معمولاً زینست طلبیه‌ها بوده اما شما نخستین

فیلم‌تان را در باره موضوع جنجالی دیگری یعنی نیروی پلیس

ساختید که حالا ما می‌دانیم در درس دارد. معمولاً با پلیس کار

کردن سخت‌تر است؟

نه! اتفاقاً، واقعا ناجا (نیروی محترم انتظامی) و بویژه ارگان و

موسسه‌ای که متولی این هم است، یعنی «ناجی هنر» خیلی

با ما همراهی کردند و به اصطلاح کمک‌ما کردند که این فیلم

ساخته شود و اگر کمک‌ناجی هنر نبود، این پروژه اصلا ساخته

نمی‌شد. ناجی هنر به ما این جسارت را داد تا بتوانیم یک

پلیسی را به تصویر بکشیم که برای مخاطب آشناست. حالا،

فارغ از قهرمان بودن یا نبودنش طبق خوانش‌های مختلفی

که از فیلم شده، ما یک پلیس کاملاً آشنا با مخاطب را به

تصویر می‌کشیم که برای مردم بیگانه نیست و این با کمک

ناجی هنر بود. من هم از ایشان تشکر می‌کنم؛ از مدیرعامل

ناجی هنر و بشیة اعضا و دوستان دست‌اندر کار این موسسه.

■ با توجه به شرایط اجتماعی امروز ما، یک فیلم تلخ و

پراسترس چقدر می‌تواند با مخاطبش ارتباط برقرار کند؟

این بستگی به مخاطب دارد. من ندیدم مخاطبان ناراضی

از سالن بیرون بروند. فیلم به لحاظ مضمونی تلخ نیست، چون

قهرمان به هدف خودش می‌رسد و این چیزی است که فکر

می‌کنم مخاطب از آن راضی باشد. قهرمان در طول فیلم

برای رسیدن به یک چیزی تلاش می‌کند که در نهایت به آن

چیز می‌رسد اما درباره استرس، ویژگی ژانر جنایی این است

که همراه با تعلیق و استرس باشد. اگر استرسی به مخاطب

رسیده، یعنی فیلم دارد کار می‌کند و اگر نرسیده، یعنی به

اصطلاح کار نمی‌کند. خدا را شکر اگر شما استرس گرفتید؛

این یعنی فیلم «عظله» داشته.

■ اجازه دهید من به صراحت این اعتمادبه‌نفس شما را

تحسین کنم که با لباس روحانیت به عنوان کارگردان فیلم

مقابل رسانه‌ها آمده‌ید؛ فکر می‌کنم این کار یک اعتماد به

نفس به آدم‌های این شکلی بدهد.

من در جشنواره فیلم کوتاه تهران هم که جایزه گرفتم، با

لباس روحانیت رفتم و بقیه باید راه برای‌شان نسبت به این

مساله هموار شود. حالا یکی طلبه است، یکی با لباس، یکی

بی‌لباس... اتفاقات خیلی زیادی من می‌شنوم از این ماجرا

که مثلا کسی سر صحنه نمازش قضا شده چون خجالت

می‌کشیده جلوی بازگیش نماز بخواند. ماسه می‌کنیم آدم‌ها

راحت تا آنچه هستند کنار بیایند. آدم‌ها بهمان‌ما مطلبی‌ما

مسلمانیم، با نامرحم دست نمی‌دهیم، نماز اول وقت می‌خوانیم،

اعتقادات خودمان را داریم، به شما هم کار می‌کنیم. خیلی هم

به هم احترام می‌گذاریم. واقعیتش این است که ما نباید از

مؤلفه‌های خودمان در سینما خیلی دست بکشیم.

■ یعنی تلاش‌هایی برای سالم‌سازی پشت صحنه سینما

هم می‌کنید؟

هدف ما این است واقعا یک تشکیلاتی راه بيفتد و سینمای

توحیدی را که آقا مرتضی آوینی قبل از ما راه‌اندازی کرده،

بتوانیم دوباره پررنگ‌تر کنیم و حداقل به تماشای مخاطب

برسانیم.

■ ممکن است خیلی‌ها فکر کنند وقتی یک شخصیت روحانی

بخواهد فیلم بسازد، آزادی عمل بیشتری نسبت به افراد

عادی دارد. فیلم ساختن درباره چنین موضوع حساسی

حتما موانعی هم داشته؛ آیا واقعا شما خیلی راحت‌تر بودید؟

نه... راننی در کار نبود. من خودم را سانسور نکردم

و اعتقاد دارم انسان درباره هر موضوعی می‌تواند فیلم

بسازد؛ اما پرداخت خیلی مهم است. پرداخت باید با

ترویج خشونت یا ترویج فساد نباشد. خود قرآن هم

قصه‌های مختلفی از انبیا در موضوعات مختلف روایت

کرده، ولی قصه‌ها کاملاً در چارچوب حیا، بدون ترویج

فساد یا خشونت بیان شده و این نشان می‌دهد به ما

والگو می‌دهد قرآن که درباره موضوعات مختلف

می‌توانیم صحبت کنیم ولی در چارچوب با پرداخت

و نگاه درست.